

بررسی تاثیر شهرنشینی بر شاخص توسعه
با تاکید بر نتایج سرشماریهای ۹۰-۱۳۸۵

محمد صادق علی پور^۱
قدرت طاهری^۲ و خدیجه کریمی^۳

چکیده:

در سال ۱۹۹۰ میلادی، نیمی از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کرده‌اند. این پدیده در کشورهای مختلف جهان همچنان رو به افزایش است. به سبب عرضه مازاد نیروی کار در روستاها، روستاییان به سوی شهرها به ویژه شهرهای بزرگ مهاجرت کرده و این امر درصد شهرنشینی را در مقیاس جهانی افزایش داده است.

شهرنشینی در ایران نیز طی چند دهه گذشته دستخوش تحولات زیادی شده است. توزیع ناموزون جمعیت و فعالیت‌ها در پهنه سرزمین یکی از عوامل مهم در عدم تعادل‌های منطقه ای می باشد. این پدیده مشکلات گوناگونی را به لحاظ توزیع امکانات و خدمات رسانی به وجود آورده و این مسئله در مناطق کمتر توسعه یافته بیشتر احساس می شود.

در این مقاله ابتدا موضوع شهرنشینی و عوامل موثر بر آن مورد بررسی قرار گرفته، سپس با توجه به آزمونهای آماری، رابطه های مورد انتظار بین موضوعات فوق بررسی گردیده اند. چگونگی توزیع امکانات و شاخص های توسعه از جمله مهمترین عواملی هستند که بر توزیع تراکم جمعیت و مهاجرت در جامعه اثر می گذارند. این مطالعه نشان داده است که در استانهای از کشور که از امکانات بیشتری برخوردار هستند و اغلب استانهای توسعه یافته هستند، شهرنشینی در آنها نیز بیشتر است.

واژه‌گان کلیدی: شهرنشینی، میزان شهرنشینی، شاخص های توسعه

۱- عضو هیات علمی پژوهشکده آمار، مرکز آمار ایران

۲- مدیر کل دفتر محاسبه شاخص برنامه ها و سیاست های کلان - مرکز آمار ایران

۳- کارشناس دفتر استانداردها و نظارت بر طرح های آماری - مرکز آمار ایران

۱- مقدمه:

شهرنشینی پدیده جمعیتی قرن بیستم است. بتدریج مردم بیشتری محل سکونت خود را از مناطق روستایی به مناطق شهری تغییر می دهند و بخش زیادی از آنها نیز شهرهای بزرگ را انتخاب می کنند. افزایش جمعیتی مناطق شهری، رشد جمعیت شهری را باعث می گردد (امین مظفری، ۱۳۷۸). شهرنشینی معلول عوامل مختلفی می باشد که از نظر تاریخی، آغاز انقلاب صنعتی را می توان از اهم آنها برشمرد. پیدایش فن آوری بصورت‌های مختلف (تا امروز) عامل مهم دیگری در گسترش شهرها بوده است. در پیدایش شهر و شهرنشینی عوامل متعدد دیگری مانند مازاد تولید محصولات کشاورزی، توسعه شبکه راهها و تمایل بشر به ایجاد یک زندگی دسته جمعی، توسعه مبادلات کالا و پیشرفت های تاریخی، عوامل طبیعی مانند وجود آب، زمین مساعد و خاک و ... وجود داشته که منجر به تکوین و شکل گیری شهرها شده اند. عواملی مانند تحول در حمل و نقل و سرعت مبادلات، پیدایش تخصص و تقسیم کار، ازدیاد جمعیت، توسعه صنعت و مبادلات تجاری، بالا رفتن سطح درآمد، تنوع در مشاغل، پیدایش و گسترش وسایل ارتباط جمعی، گسترش شهرها را سبب شده اند.

پدیده شهرنشینی در جوامع مختلف در حد وسیعی به وقوع می پیوندد. این پدیده به عنوان پیامدهای رشد جمعیت از یک طرف و تغییرات اجتماعی از طرف دیگر، به طور وسیعی در نقاط مختلف جهان در جریان است.

۲- بیان مسئله

شهرها پرجمعیت ترین سکونت گاه های انسانی هستند و به طور معمول تفاوت های اساسی به لحاظ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و در نهایت شکلی و کالبدی با روستاها دارند. براساس نظریه های متفکران و دانشمندان قدیم جغرافیا و اقتصاد، روستا از عوامل اصلی پیدایش شهر است. پل سینجر (کاظمی، ۱۳۵۸) دلایل پیدایش شهر را وجود تولیدات مازاد کشاورزی و خودکفایی روستا و احتیاج شهر به روستا می داند و ابن خلدون (گنابادی، ۱۳۳۶) دلیل پیدایش شهر را خصوصیت تجمل خواهی بشر و زندگی در ناز و نعمت او می داند و معتقد است «شهرنشینی به منزله هدفی برای بادیه نشینان است که به سوی آن در حرکت هستند و هنگامی که به فراخی معیشت و توانگری می رسند، به عادات و رسوم تجمل خواهی و ناز و نعمت رو می آورند و آن وقت به آرامش و استقرار زندگی متمایل می شوند و به قیود شهرنشینی تن درمی دهند.

بنا بر آنچه که گفته شد، جمعیت شهر نشین گسترش قابل توجهی یافته است و این یک موضوعی جهانی بوده، بطوریکه جمعیت در تمام کشورهای جهان از این الگو پیروی می کند. بطور کلی ۳۹ درصد جمعیت جهان در سال ۱۹۷۵ در نقاط شهری زندگی می کردند؛ طبق برآوردهای سازمان ملل این رقم در سال ۲۰۰۰ به ۵۰ درصد رسید و در سال ۲۰۲۵ به ۶۳ درصد می رسد (چاوشیان، ۱۳۸۸).

طی ۵۰ سال گذشته، نسبت شهرنشینی در ایران از ۳۱،۶۷ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۱،۴ درصد (بیش از دو برابر) در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته و این روند همچنان ادامه دارد. تعداد شهرها نیز از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۱۳۹ شهر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. بطور کلی می توان گفت ترکیب جمعیت کشور از یک وضعیت روستایی و عشایری به یک ترکیب اکثریت شهر نشین تبدیل شده است.

لازم به توضیح است هر چند تحولات شهرنشینی در کشور به عنوان یکی از شاخص های توسعه یافتگی محسوب می شود و اساساً جریان حرکت تکاملی فرهنگ و تمدن، انسان را به سوی شهرنشینی سوق می دهد، اما شواهد موجود از تحولات شهرنشینی در کشور حاکی از آن است که حداقل بخشی از این تحولات به موازات تکوین و تکامل نظام تولید و همچنین بهبود کارکردهای شهرها صورت نگرفته است، بلکه معلول تشدید شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی، تفاوت در بهره مندی از امکانات، درآمدهای انتظاری بیشتر در مناطق شهری، ضعف نظام تولید در جوامع روستایی، نارسایی سیاست ها و نظیر آن ها می باشد.

به این ترتیب، می توان چنین عنوان کرد که گسترش شهرنشینی و شهرگرایی در ایران مانند بسیاری از جوامع در حال توسعه نشأت گرفته از روابط، مناسبات و ساختارهای تولیدی، اقتصادی و در نهایت، از الزامات و ضرورت های توسعه نبوده و نمی توان از این شاخص

(شهرنشینی) مانند کشورهای توسعه یافته به عنوان معیاری از پیشرفت و توسعه برآمده از پویایی اقتصاد و توسعه یاد نمود.

بخش اعظم افزایش جمعیت شهری کشور از مهاجرپذیری یا تغییر موقعیت روستا به شهر و یا جذب و ادغام روستاها در شهر است. طی سالهای گذشته تعداد زیادی از شهرها از بافت روستایی ایجاد شده و تعداد زیادی از نقاط روستایی با اراضی کشاورزی قابل توجه و حاصلخیز در نتیجه توسعه شهری تغییر کاربری داده و به شهر تبدیل شده‌اند.

با گذشت زمان این روند منجر به رشد شهرنشینی و حاشیه نشینی خواهد شد. که به دنبال آن از یک طرف مسائل مدیریت شهری کشور را با بحران مواجه خواهد کرد و از طرف دیگر در اکثر موارد مهاجرت باعث تغییرات و تحولات فرهنگی در خانوارها می‌شود.

۳- مروری بر تغییرات جمعیتی کشور

۳-۱- بررسی تغییرات جمعیت کشور طی دوره ۹۰-۱۳۳۵

جدول ۱: تغییرات جمعیت کشور طی سال‌های ۹۰-۱۳۳۵

سال	جمعیت	افزایش دوره		شاخص تغییرات ۱۳۳۵=۱۰۰	تغییرات نسبت به سال پایه	متوسط رشد سالانه (درصد)
		نسبی	مطلق			
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	-	-	۱۰۰	-	-
۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۶۸۳۴۰۱۸	۳۶,۰۵	۱۳۶,۰۵	۳۶,۰۵	۳,۱۳
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۷۹۲۰۰۲۲	۳۰,۷۱	۱۷۷,۸۴	۷۷,۸۴	۲,۷۱
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۱۵۷۳۶۲۶۶	۴۶,۶۸	۲۶۰,۸۶	۱۶۰,۸۶	۳,۹۱
۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۶۳۹۲۱۵۳	۱۲,۹۳	۲۹۴,۵۸	۱۹۴,۵۸	۲,۴۶
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۴۲۱۸۳۲۵	۷,۵۵	۳۱۶,۸۴	۲۱۶,۸۴	۱,۴۷
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱۰۴۴۰۲۹۴	۱۷,۳۸	۳۷۱,۹۲	۲۷۱,۹۲	۱,۶۲
۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۴۶۵۳۸۸۷	۶,۶	۳۹۶,۴۷	۲۹۶,۴۷	۱,۲۹

جمعیت کشور بر اساس سرشماری سال ۱۳۳۵، ۱۸۹۵۴۷۰۴ نفر بوده که در سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت کشور به ۷۵۱۴۹۶۶۹ نفر رسیده است. با توجه به اینکه از سال ۱۳۳۵، به بعد هر ده سال یکبار سرشماری انجام گرفته است، نتایج سرشماری‌ها بیانگر این است که نرخ رشد جمعیت در دوره ۶۵-۱۳۵۵ نسبت به دهه‌های دیگر بیشتر بوده است (۳/۹۱ درصد). از

طرفی در بین سال های مورد بررسی، نرخ رشد جمعیت در سال های ۹۰-۱۳۸۵، کمترین مقدار بوده است (۱/۲۹ درصد). (جدول ۱).

جدول ۲: تغییرات جمعیت نقاط شهری طی سال های ۱۳۹۰-۱۳۳۵

سال	جمعیت	افزایش دوره		شاخص تغییرات ۱۳۳۵=۱۰۰	تغییرات شاخص نسبت به سال پایه (%)	متوسط رشد سالانه (درصد)
		نسبی	مطلق			
۱۳۳۵	۶۰۰۲۶۲۱	-	-	۱۰۰	-	-
۱۳۴۵	۹۷۹۵۸۱۰	۶۳,۱۹	۳۷۹۳۱۸۹	۱۶۲,۱۹	۶۳,۱۹	۵,۰۲
۱۳۵۵	۱۵۸۵۴۶۸۰	۶۱,۸۵	۶۰۵۸۸۷۰	۲۶۴,۱۳	۱۶۴,۱۳	۴,۹۳
۱۳۶۵	۲۶۸۴۴۵۶۱	۶۹,۳۲	۱۰۹۸۹۸۸۱	۴۴۷,۲۱	۳۴۷,۲۱	۵,۴۱
۱۳۷۰	۳۱۸۳۶۵۹۸	۱۸,۶۰	۴۹۹۲۰۳۷	۵۳۰,۳۸	۴۳۰,۳۸	۳,۴۷
۱۳۷۵	۳۶۸۱۷۷۸۹	۱۵,۶۵	۴۹۸۱۱۹۱	۶۱۳,۳۶	۵۱۳,۳۶	۲,۹۵
۱۳۸۵	۴۸۲۵۹۹۶۴	۳۱,۰۸	۱۱۴۴۲۱۷۵	۸۰۳,۹۸	۷۰۳,۹۸	۲,۷۴
۱۳۹۰	۵۳۶۴۶۶۶۱	۱۱,۱۶	۵۳۸۶۶۹۷	۸۹۳,۷	۷۹۳,۷	۲,۱۴

ماخذ: سرشماری های مختلف

نمودار ۱- تغییرات شاخص جمعیت نقاط شهری نسبت به سال پایه ۱۳۳۵ طی سال های ۱۳۹۰-۱۳۳۵



جمعیت شهری کشور در سال ۱۳۳۵، ۶۰۰۲۶۲۱ نفر بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۵۳۶۴۶۶۶۱ نفر رسیده است. در بین سالهای مورد بررسی نرخ رشد متوسط سالانه جمعیت شهری در سالهای ۶۵-۱۳۵۵، بیشترین مقدار رشد را داشته است (۵/۴۱ درصد). افزایش قابل توجه جمعیت در این دوره بیشتر ناشی از مهاجرت جمعیت از نقاط روستایی به نقاط شهری بوده است. طی سالهای فوق میزان باروری جمعیت نیز از سطح بالایی برخوردار بوده است. همانطور که در رابطه با افزایش جمعیت در نقاط شهری گفته شد، گسترش شهرنشینی در کشور نیز از الگوی جهانی (گسترش شهرنشینی) پیروی کرده، بطوریکه میزان شهرنشینی از ۳۱/۶۷ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۱،۴ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در سالهای اخیر شاهد کاهش رشد جمعیت نسبت به سالیان گذشته بوده ایم. بطوریکه نرخ رشد جمعیت در دهه ۹۰-۱۳۸۵ در کشور به ۱/۳ درصد رسیده، اما میزان مذکور در نقاط شهری در این دوره ۲/۱ درصد بوده است.

افزایش نرخ رشد جمعیت شهری نسبت به کل جمعیت کشور نشان دهنده افزایش تعداد جمعیت شهرها و کاهش جمعیت روستایی است که ناشی از مهاجرت روستاییان به شهر، تبدیل روستاها به شهر و ادغام روستاها به شهرها می باشد. طی نیم قرن میزان شهرنشینی در کشور ما بیش از دو برابر شده است و تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ در ۱۳۳۵ به ۱۱۳۹ شهر در ۱۳۹۰ افزایش یافته است. در نتیجه این اتفاق ترکیب جمعیت کشور از یک وضعیت غالباً روستائی به یک ترکیب اکثریت شهرنشین تبدیل شده است.

۳-۲- توزیع نقاط شهری در استانهای کشور

بررسی تحولات شهرنشینی کشورها، نشان می دهد که شهرهای بزرگ محدودی بخش عمده ای از جمعیت مناطق شهری و امکانات توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را به خود جلب نمودند و ناخواسته پیامدهای اقتصادی - اجتماعی فراوانی را بر نظام اجتماعی این کشورها تحمیل کرده اند.

در ایران نیز عواملی چون تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در ایجاد شهرهای جدید و تبدیل برخی روستاها به شهر در کشور مؤثر بوده اند. از طرفی با نگاهی به مساحت برخی استانها، جمعیت و تعداد شهرهای موجود در آنها برخی عدم تعادلهای جغرافیایی مشاهده می شود. استان سیستان و بلوچستان با سهم ۱۱/۲ درصد از مساحت کشور، ۳/۴ درصد از کل جمعیت کشور را شامل می شود و سهم آن از تعداد کل شهرهای کشور نیز ۳/۲ درصد می باشد. از طرفی استانی مثل تهران با ۰،۸ درصد کل مساحت کشور، ۱۶،۲ درصد جمعیت کل کشور را در خود جای داده است و ۳،۴ درصد از تعداد شهرهای کشور را نیز شامل می شود. البته در رابطه با استان تهران به علت پایتخت بودن و وجود فرصت های شغلی فراوان نسبت به سایر استانها، چنین عدم تعادلی بین جمعیت، مساحت و تعداد شهرهای آن قابل توجیه است.

در ایران پایتخت به عنوان شهری بزرگ به تنهایی حدود ۱۵,۲ درصد از جمعیت شهرنشین را در خود جای داده است و کلان شهرهای دیگری چون مشهد، اصفهان، تبریز، کرج، شیراز، اهواز، قم و... به دنبال آن در حال رشد هستند. ۱۴ شهر با بیش از ۵۰۰ هزار نفر جمعیت به تنهایی ۴۳,۳ درصد از جمعیت شهرنشین کشور را در خود جای داده اند.

جدول ۳: طبقه بندی جمعیتی شهرهای کشور طی سال های ۹۰-۱۳۶۵

1390		1385		1375		۱۳۶۵		طبقه بندی جمعیتی
تعداد (درصد)	تعداد شهر	تعداد (درصد)	تعداد شهر	تعداد (درصد)	تعداد شهر	تعداد (درصد)	تعداد شهر ^(۱)	
۱۰۰,۰۰۰	۱۱۳۹	۱۰۰,۰۰۰	۱۰۱۲	۱۰۰,۰۰۰	۶۱۲	۱۰۰,۰۰۰	۴۹۶	جمع
۲,۵۵	۲۹	۲,۶۷	۲۷	۳,۷۶	۲۳	۳,۲۳	۱۶	۲۵۰۰۰۰ نفر و بیش تر
۵,۰۰	۵۷	۵,۳۴	۵۴	۵,۸۸	۳۶	۵,۰۴	۲۵	۲۴۹۹۹۹-۱۰۰۰۰۰ نفر
۷,۱۱	۸۱	۶,۹۲	۷۰	۹,۸۰	۶۰	۹,۲۷	۴۶	۹۹۹۹۹-۵۰۰۰۰ نفر
۹,۰۴	۱۰۳	۹,۸۸	۱۰۰	۱۵,۳۶	۹۴	۱۳,۵۱	۶۷	۴۹۹۹۹-۲۵۰۰۰ نفر
۱۹,۴۰	۲۲۱	۲۰,۷۵	۲۱۰	۲۷,۱۲	۱۶۶	۲۹,۲۳	۱۴۵	۲۴۹۹۹-۱۰۰۰۰ نفر
۲۴,۳۲	۲۷۷	۲۳,۶۲	۲۳۹	۲۴,۵۱	۱۵۰	۲۲,۷۸	۱۱۳	۹۹۹۹-۵۰۰۰ نفر
۳۲,۵۷	۳۷۱	۳۰,۸۳	۳۱۲	۱۳,۵۶	۸۳	۱۶,۹۴	۸۴	کمتر از ۵۰۰۰ نفر

(۱) از سال ۱۳۶۵ دو نقطه شهری ری و تجریش جزء محدوده شهر تهران منظور شده اند

۳-۳- توزیع جغرافیایی و طبقه بندی جمعیتی شهرهای کشور

توزیع شهرها و به تبع آن تمرکز جمعیت شهری در نقاط مختلف کشور یکسان نیست. مناطق شمالی، غربی و جنوب غربی کشور علاوه بر برخورداری از آب و هوای خوب و موقعیت جغرافیایی خاص، مهد نخستین کانونهای یکجانشینی و تمدن شهری بوده و همواره از نقاط پرجمعیت کشور محسوب می شده اند و در حال حاضر نیز بیشترین نسبت از جمعیت کشور را دارا می باشند (رفیع پور، ۱۳۷۹). با این توصیف نگاهی به وضعیت طبقه بندی جمعیتی برای شهرهای ایران می پردازیم.

با توجه به طبقه بندی که از نظر جمعیتی برای شهرهای کشور انجام گرفته است، در سال ۱۳۶۵، ۲۹/۲۳ درصد کل شهرها (۴۹۶ شهر)، در طبقه ۲۴۹۹۹-۱۰۰۰۰۰ نفر قرار داشته اند، ۲۲/۷۸ درصد شهرها نیز دارای جمعیتی در طبقه ۹۹۹۹-۵۰۰۰۰ نفر بوده اند. از طرفی شهرهای بالای ۲۵۰۰۰۰ نفر، ۳/۲۳ درصد کل شهرها در این سال بوده است. جدول شماره ۳،

نشان می‌دهد که تعداد و سهم شهرهای دارای کمتر از ۱۰۰۰۰ نفر نسبت به تعداد کل شهرها در سال ۱۳۹۰ به ۵۶,۹ درصد رسیده است، تعداد شهرهای بالای ۲۵۰۰۰۰ نفر، گرچه افزایش یافته و به ۲۹ شهر رسیده، اما کمترین سهم را به خود اختصاص داده است.

۳-۴- شهرنشینی و روستانشینی در سطح استان های کشور

یکی دیگر از جنبه های توزیع جغرافیایی جمعیت، تفکیک آن بر حسب جمعیت شهرنشین و روستانشین در سطح استان است.

در سال ۱۳۹۰، توزیع نسبت شهرنشینی در استانهای مختلف تفاوت چشمگیری دارد، به طوری که بین حداقل نسبت شهرنشینی (۴۹ درصد برای استان سیستان و بلوچستان) و حداکثر آن (۹۵,۲ درصد برای استان قم)، ۴۶,۲ درصد فاصله وجود دارد. در برخی از استانها نسبت شهرنشینی فاصله قابل توجهی با متوسط کل کشور دارد که بعضاً بیشتر یا کمتر از میزان متوسط می‌باشد. پس از استانهای قم و تهران، نسبت شهرنشینی در استانهای البرز (۹۰,۵ درصد)، اصفهان (۸۵,۴ درصد)، یزد (۸۲,۸ درصد) و سمنان (۷۷ درصد) از بالاترین میزان برخوردار است (جدول ۴).

در مقابل استانهای سیستان و بلوچستان، گلستان، خراسان شمالی و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب با ۴۹، ۴۹، ۴۸,۵ و ۴۷,۴ درصد بیشترین میزان روستانشینی را داشتند. علیرغم افزایش میزان شهرنشینی در کشور طی سالهای اخیر، استان سیستان و بلوچستان تنها استان کشور است که جمعیت غالب استان در نقاط روستایی زندگی می‌کنند.

جدول ۴: نسبت شهرنشینی، روستانشینی و تعداد شهرهای استان های کشور ۱۳۹۰

نام استان	نسبت		شهرها	
	شهرنشینی	روستانشینی	تعداد	سهم از کل کشور
کل کشور	۷۱،۴	۲۸،۶	۱۱۳۹	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۶۹،۲	۳۰،۸	۵۸	۵،۱
آذربایجان غربی	۶۲،۷	۳۷،۳	۴۲	۳،۷
اردبیل	۶۴،۰	۳۶،۰	۲۴	۲،۱
اصفهان	۸۵،۴	۱۴،۶	۱۰۱	۸،۹
البرز	۹۰،۵	۹،۵	۱۶	۱،۴
ایلام	۶۴،۰	۳۶	۲۱	۱،۸
بوشهر	۶۸،۲	۳۱،۸	۳۲	۲،۸
تهران	۹۲،۸	۷،۲	۳۹	۳،۴
چهارمحال و بختیاری	۵۸،۲	۴۱،۸	۳۱	۲،۷
خراسان جنوبی	۵۶،۰	۴۴	۲۵	۲،۲
خراسان رضوی	۷۱،۹	۲۸،۱	۷۲	۶،۳
خراسان شمالی	۵۱،۵	۴۸،۵	۱۸	۱،۶
خوزستان	۷۱،۰	۲۹	۶۱	۵،۴
زنجان	۶۲،۵	۳۷،۵	۱۸	۱،۶
سمنان	۷۷،۰	۲۳	۱۷	۱،۵
سیستان و بلوچستان	۴۶،۰	۵۴	۳۷	۳،۳
فارس	۶۷،۶	۳۲،۴	۹۳	۸،۲
قزوین	۷۳،۱	۲۶،۹	۲۵	۲،۲
قم	۹۵،۲	۴،۸	۶	۰،۵
کردستان	۶۶،۰	۳۴	۲۵	۲،۲
کرمان	۵۷،۵	۴۲،۵	۶۴	۵،۶
کرمانشاه	۶۹،۷	۳۰،۳	۲۹	۲،۶
کهگیلویه و بویراحمد	۵۲،۶	۴۷،۴	۱۶	۱،۴
گلستان	۵۱	۴۹	۲۵	۲،۲
گیلان	۶۰،۳	۳۹،۷	۵۱	۴،۵
لرستان	۶۱،۳	۳۸،۷	۲۵	۲،۲
مازندران	۵۴،۷	۴۵،۳	۵۳	۴،۷
مرکزی	۷۳،۹	۲۶،۱	۳۲	۲،۸
هرمزگان	۵۰	۵۰	۳۲	۲،۸
همدان	۵۹،۲	۴۰،۸	۲۷	۲،۴
یزد	۸۲،۸	۱۷،۲	۲۴	۲،۱

۴- روش پژوهش

برای بررسی تأثیرات شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی بر میزان شهرنشینی در استان‌های کشور از روش تحلیل $TOPSIS^1$ استفاده شده است. این روش یکی از روش‌های جبرانی از مدل‌های $MADM^2$ می‌باشد. در این روش امکان تعیین بهترین نقطه که بالاترین میزان شاخص‌ها را داشته باشد از یک سو و امکان تعیین بدترین نقطه که کم‌ترین میزان شاخص‌ها را داشته باشد، وجود دارد. علاوه بر آن اهمیت نسبی متغیرها و شاخص‌ها نیز مشخص می‌شود. با توجه به دو نقطه بهترین و بدترین، فاصله اقلیدسی نقاط مورد نظر (شاخص‌های شهرستان/بخش) از دو نقطه مزبور امکان پذیر بوده و به این ترتیب رتبه بندی انجام می‌گیرد. (آذر، ۱۳۸۱)

روش $TOPSIS$ در سال ۱۹۸۱ توسط هوانگ و یون^۱ ارائه گردید. در این روش m گزینه به وسیله n شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و هر مسئله را می‌توان به عنوان یک سیستم هندسی شامل m نقطه در یک فضای n بعدی در نظر گرفت. این تکنیک بر این مفهوم بنا شده است، که گزینه انتخابی باید کمترین فاصله را با راه حل ایده آل مثبت (بهترین حالت ممکن، A_i^+) و بیشترین فاصله را با راه حل ایده آل منفی (بدترین حالت ممکن، A_i^-) داشته باشد. فرض بر این است که مطلوبیت هر شاخص به طور یکنواخت افزایشی یا کاهش است.

حل یک مسئله به روش $TOPSIS$ شامل ۶ مرحله به شرح زیر می‌باشد:

۱- ماتریس D (ماتریس $n \times m$ ، m گزینه و n شاخص) به کمک فرم اقلیدسی به یک ماتریس بی‌مقیاس تبدیل می‌شود.

$$r_{ij} = \frac{d_{ij}}{(\sum d_{ij}^2)^{1/2}} \quad (j = 1, 2, \dots, n)$$

d_{ij} : مقدار اولیه شاخص در ماتریس D

r_{ij} : مقدار شاخص در ماتریس استاندارد شده

ماتریس به دست آمده، ND نامیده می‌شود.

۲- ماتریس بی‌مقیاس موزون:

$$V = N_D * W_{n \times n}$$

¹- Technique for Order Preferences by Similarity to Ideal Solution

²- Multiple Attribute Decision Making

^۳- Hwang & Yoon

V ماتریس بی مقیاس موزون و W یک ماتریس قطری از وزن های به دست آمده برای شاخص ها می باشد.

۳- راه حل ایده آل مثبت (A_i^+) و راه حل ایده آل منفی (A_i^-) مشخص می شوند.

$$= A^+ = \{(\max V_{ij} | j \in J_+), (\min V_{ij} | j \in J_-) | i = 1, 2, \dots, m\}$$

گزینه ایده آل مثبت

$$= A^- = \{(\min V_{ij} | j \in J_+), (\max V_{ij} | j \in J_-) | i = 1, 2, \dots, m\}$$

گزینه ایده آل منفی

۴- اندازه فاصله بر اساس فرم اقلیدسی به ازاء راه حل ایده آل منفی و گزینه مثبت و همین اندازه را به ازاء راه حل مثبت و گزینه منفی به صورت زیر محاسبه می شوند:

$$(i = 1, 2, \dots, m) \quad d_i^+ = \left\{ \sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^+)^2 \right\}^{\frac{1}{2}}$$

$$(i = 1, 2, \dots, m) \quad d_i^- = \left\{ \sum_{y=1}^n (V_{iy} - V_y^-)^2 \right\}^{\frac{1}{2}}$$

۵- نزدیکی نسبی A_i به راه حل ایده آل به صورت زیر محاسبه می گردد.

$$C_i = \frac{d_i^-}{(d_i^- + d_i^+)} \quad (i = 1, 2, \dots, m)$$

۶- رتبه بندی گزینه ها در این مرحله انجام می گیرد و بر اساس ترتیب نزولی C_i می توان گزینه های موجود را بر اساس بیشترین اهمیت رتبه بندی کرد.

بعد از یکسان سازی شاخص ها و تعیین سطح توسعه یافتگی در استان های کشور، با استفاده از آزمون های مناسب پارامتری می توان رابطه بین شاخص ها (متغیرها)ی مختلف را تعیین نمود. به منظور بررسی تأثیر شاخص های اقتصادی اجتماعی استانی بر شهرنشینی در ایران ابتدا با تعیین ۴۰ شاخص استان ها را رتبه بندی کرده و سپس اثر آن بر تحرک و جابجایی نیروی انسانی از یک استان به استان دیگر مورد تبیین قرار خواهد گرفت.

این شاخص ها عبارتند از:

شهرنشینی، جوانی جمعیت، میزان باسوادی نقاط شهری، میزان نرخ باسوادی نقاط روستایی، تراکم خانوار در واحد مسکونی، روستاهای برخوردار از آب آشامیدنی سالم، روستاهای برخوردار از گاز، حجم مخازن آب روستایی به هزار نفر، طول شبکه توزیع آب روستایی به هزار

نفر روستایی، نسبت جمعیت تحت پوشش به کل، سرانه شهرداری، سرانه مالیاتی، نسبت کارگاه‌های صنعتی ۱۰ کارکن و بیشتر به ۱۰ هزار نفر، نسبت طول شبکه توزیع آب شهری به هزار نفر، نسبت شهرهای گازرسانی شده، تراکم راه روستایی آسفالته، درصد راه‌های آسفالته روستایی به کل راهها، نسبت آزاد راه به کل راهها، نسبت راه اصلی به کل راهها، درصد راه فرعی آسفالته به کل راهها، تراکم راه شهری (کل راهها به مساحت استان)، برق صنعتی، ضریب نفوذ تلفن (تلفن‌های منصوبه به جمعیت استان)، تراکم دانش‌آموزان ابتدایی در کلاس، تراکم دانش‌آموز راهنمایی در کلاس، تراکم دانش‌آموز متوسط در کلاس، تعداد مراکز فنی و حرفه‌ای به ۱۰۰ نفر جمعیت، تعداد پزشک عمومی به ۱۰۰۰ نفر جمعیت، تعداد پزشک متخصص به ۱۰۰۰ نفر جمعیت، تعداد دندانپزشک به ۱۰۰۰ نفر جمعیت، تعداد داروساز به ۱۰۰۰ نفر، تعداد بیمارستان به ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد تخت بیمارستان به ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد مراکز بهداشتی و درمانی شهری به ۱۰۰۰۰ نفر، تعداد مراکز بهداشتی و درمانی روستایی به ۱۰۰۰ نفر، تعداد خانه بهداشت، تعداد بهورزان به ۱۰۰۰۰ نفر روستایی، تعداد کتابخانه به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت شهری، مراکز فرهنگی و هنری به ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت شهری و عملکرد محصولات کشاورزی (تن در هکتار).

۵- تحلیل یافته ها

در این بررسی با استفاده از شاخص های اقتصادی اجتماعی فوق الذکر، استانهای کشور رتبه بندی شده و رابطه آن بر شهر نشینی مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتیجه رتبه بندی در جدول ۵ مشاهده می شود.

جدول ۵: رتبه بندی استانهای کشور براساس سطح توسعه آنها، سال ۱۳۸۵

رتبه	استان	امتیاز
۱	سمنان	۱۰۰
۲	تهران	۹۹.۸۲
۳	اصفهان	۹۰.۲۹
۴	مرکزی	۸۸.۶۶
۵	آذربایجان شرقی	۸۵.۵۲
۶	بوشهر	۸۰.۵۲
۷	گیلان	۷۸.۸۶
۸	یزد	۷۸.۲۸
۹	مازندران	۷۵.۹
۱۰	گلستان	۷۳.۷۱
۱۱	فارس	۷۳.۳۵
۱۲	همدان	۶۹.۲۴
۱۳	قزوین	۶۸.۹۳
۱۴	چهارمحال و بختیاری	۶۸.۹۲
۱۵	خوزستان	۶۸.۳۵
۱۶	قم	۶۵.۷۵
۱۷	زنجان	۵۹.۱۷
۱۸	اردبیل	۵۶.۳
۱۹	خراسان رضوی	۵۵.۴۵
۲۰	کرمانشاه	۵۴.۳۷
۲۱	کردستان	۵۴.۰۴
۲۲	ایلام	۵۳.۷۳
۲۳	خراسان جنوبی	۵۲.۰۴
۲۴	آذربایجان غربی	۵۰.۳۴
۲۵	هرمزگان	۴۹.۶۴
۲۶	کهگیلویه و بویراحمد	۴۹.۰۳
۲۷	کرمان	۴۶.۶۳
۲۸	لرستان	۴۲.۸۴
۲۹	خراسان شمالی	۴۱.۱۹
۳۰	سیستان و بلوچستان	۲۹

بر اساس این نتایج می توان عنوان کرد که از ۳۰ استان کشور در سال ۱۳۸۵، ۸ استان سمنان، تهران، اصفهان، مرکزی، آذربایجان شرقی، بوشهر، گیلان و یزد از استان های توسعه یافته کشور و ۸ استان سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی، لرستان، کرمان، کهگیلویه و بویر احمد، هرمزگان، آذربایجان غربی و خراسان جنوبی از استان های توسعه نیافته و ۱۴ استان باقیمانده در حال توسعه تشخیص داده شده است.

جدول ۶: تعداد استان ها از نظر سطح توسعه یافتگی سال ۱۳۸۵

شرح	فراوانی	درصد
استان های توسعه یافته	۸	۲۶,۷
استان های در حال توسعه	۱۴	۴۶,۷
استان های توسعه نیافته	۸	۲۶,۷
جمع	۳۰	۱۰۰

در رابطه با شهرنشینی استان ها می توان گفت که ۹ استان قم، تهران، اصفهان، یزد، سمنان، مرکزی، قزوین، خراسان رضوی و البرز میزان شهرنشینی بالاتر از متوسط کشور دارا هستند.

جدول ۷: شهرنشینی استان ها نسبت به متوسط کشور، سال ۱۳۹۰

شرح	فراوانی	درصد
بالاتر از متوسط کشور	۹	۲۹,۰۳
پایین تر از متوسط کشور	۲۲	۷۰,۹۷
جمع	۳۱	۱۰۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۸: توسعه یافتگی استان‌ها - شهرنشینی

توسعه یافتگی استانها	شهرنشینی		جمع	
	پایین تر از متوسط کشور	بالتر از متوسط کشور		
توسعه نیافته	تعداد	۸	۰	۸
	درصد سطری	۱۰۰,۰٪	۰٪	۱۰۰,۰٪
	درصد ستونی	۳۳,۳٪	۰٪	۲۶,۷٪
	درصد کل	۲۶,۷٪	۰٪	۲۶,۷٪
در حال توسعه	تعداد	۱۳	۱	۱۴
	درصد سطری	۹۲,۹٪	۷,۱٪	۱۰۰,۰٪
	درصد ستونی	۵۴,۳٪	۱۶,۷٪	۴۶,۷٪
	درصد کل	۴۳,۳٪	۳,۳٪	۴۶,۷٪
توسعه یافته	تعداد	۳	۵	۸
	درصد سطری	۳۷,۵٪	۶۲,۵٪	۱۰۰,۰٪
	درصد ستونی	۱۲,۵٪	۸۳,۳٪	۲۶,۷٪
	درصد کل	۱۰,۰٪	۱۶,۷٪	۲۶,۷٪
کل	تعداد	۲۴	۶	۳۰
	درصد سطری	۸۰,۰٪	۲۰,۰٪	۱۰۰,۰٪
	درصد ستونی	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪	۱۰۰,۰٪
	درصد کل	۸۰,۰٪	۲۰,۰٪	۱۰۰,۰٪

بر اساس جدول ۸ می توان وضعیت توسعه یافتگی و شهرنشینی استانهای کشور را بررسی کرد. در سال ۱۳۸۵، تمام استانهای توسعه نیافته کشور، دارای ضریب شهرنشینی کمتر از متوسط کشور بوده اند. تنها یک استان (۷/۱ درصد) از استانهای در حال توسعه دارای ضریب شهرنشینی بالاتر از متوسط کشور بوده و ۱۳ استان (۹۲/۹ درصد) در حال توسعه کشور نیز دارای ضریب شهرنشینی کمتر از متوسط کشور بوده اند. ۵ استان (۶۲/۵ درصد) توسعه یافته نیز دارای ضریب شهرنشینی بالاتر از متوسط و ۳ استان (۳۷/۵ درصد) توسعه یافته نیز پایین تر از میزان متوسط شهرنشینی کشور بوده اند. بنابراین می توان گفت بیشتر استانهایی که دارای ضریب شهرنشینی بالاتر از متوسط کشور بوده اند، استانهای توسعه یافته هستند و با ۸۳/۳ درصد سهم قابل توجهی در جمعیت شهرنشین کشور دارند.

چگونگی توزیع امکانات و شاخص های توسعه از جمله مهمترین عواملی هستند که بر توزیع تراکم جمعیت و مهاجرت در جامعه اثر می گذارند. این مطالعه نشان داده است که در استانهایی از کشور که از امکانات بیشتری برخوردار هستند و اغلب استانهای توسعه یافته هستند، شهرنشینی در آنها نیز بیشتر است.

با توجه به اینکه در این مطالعه سطح توسعه یافتگی استانها اندازه گیری شده است و استانها از نظر توسعه یافتگی مشخص گردیده اند، در رابطه با استانهای توسعه نیافته و بعضا در حال توسعه باید گفت، در این استانها به علت عدم توزیع مناسب اعتبارات عمرانی، سرمایه گذاری بخش های دولتی و خصوصی و بهره برداری از منابع طبیعی، پدیده مهاجرت در این استانها (بصورت مهاجرت به خارج از استان) اتفاق می افتد. در این فرایند برخی استانها ناگزیر نیروی کار اضافی خود را به استانهای دیگر که در آنها، تقاضا برای نیروی کار وجود دارد، گسیل می دارند. میزان شهرنشینی در استانهای مهاجر پذیر معمولا بالاست. شاید بتوان گفت که برخورداری از میزان بالای شهرنشینی سبب گردیده این استانها امکانات رفاهی و فرصت های شغلی فراوانی را ایجاد نمایند که برای نیروی کار مازاد در سایر استانها قابل توجه باشد.

با توجه به محاسبه ضریب توسعه یافتگی استان ها بر اساس میزان شهرنشینی سال ۱۳۸۵، میزان ضریب همبستگی بین شاخص های توسعه یافتگی و شهرنشینی ۰/۵۹۰ با سطح معناداری ۰/۰۰۱ می باشد. گرچه انتظار می رفت در استان هایی که از میزان شهرنشینی بالاتری برخوردارند سطح توسعه به همان میزان نیز بالا باشد، با وجود این ضریب همبستگی بدست آمده گرچه از نظر آماری معنادار می باشد و رابطه مثبت بین سطح توسعه یافتگی و شهرنشینی استان های کشور پذیرفته می شود، اما انتظار می رفت که ضریب همبستگی بیشتر از این بدست بیاید. این موضوع نشانگر آن است که افزایش میزان شهرنشینی در استان های کشور تنها براساس سطح توسعه نبوده است، بلکه در مواردی معلول تعاملات سیاسی بوده است.

۶ - نتیجه گیری

ارتباط میزان شهرنشینی و نقش آن چه به صورت علت و چه بصورت معلول با سطح توسعه استان ها راهنمای خوبی برای برنامه ریزی سازماندهی کشور می باشد. بر اساس نتایج این بررسی ارتباط معناداری بین سطح توسعه و میزان شهرنشینی وجود دارد که می تواند در راستای کاهش نابرابری های نواحی و مناطق که از اهداف اصلی برنامه ریزی های توسعه است، راهگشا باشد.

بررسی توزیع جمعیت نقاط شهری کشور نشان می دهد که شهر تهران به تنهایی حدود ۱۵,۲ درصد از جمعیت شهرنشین را در خود جای داده است و کلان شهرهای دیگری چون مشهد، اصفهان، تبریز، کرج، شیراز، اهواز، قم و... به دنبال آن در حال رشد هستند. ۱۴ شهر با بیش از ۵۰۰ هزار نفر جمعیت به تنهایی ۴۳,۳ درصد از جمعیت شهرنشین کشور را در خود جای داده اند.

با توجه به محاسبه سطح توسعه یافتگی استانها به روش *topsis* باید گفت، در این استانها به علت عدم توزیع مناسب اعتبارات عمرانی، سرمایه گذاری بخش های دولتی و خصوصی و بهره

برداری از منابع طبیعی، پدیده مهاجرت در این استانها (بصورت مهاجرت به خارج از استان) اتفاق می افتد. در این فرایند برخی استانها ناگزیر نیروی کار اضافی خود را به کلان شهرها که در آنها، تقاضا برای نیروی کار وجود دارد، گسیل می دارند. میزان شهرنشینی در استانهای مهاجر پذیر معمولاً بالاست. شاید بتوان گفت که برخورداری از میزان بالای شهرنشینی سبب گردیده این استانها امکانات رفاهی و فرصت های شغلی فراوانی را ایجاد نمایند که برای نیروی کار مازاد در سایر استانها قابل توجه باشد.

چگونگی توزیع امکانات و شاخص های توسعه از جمله مهمترین عواملی هستند که بر توزیع تراکم جمعیت و مهاجرت در جامعه اثر می گذارند. این مطالعه نشان داده است که در استانهایی از کشور که از امکانات بیشتری برخوردار هستند و اغلب استانهای توسعه یافته هستند، شهرنشینی در آنها نیز بیشتر است .

بررسی توزیع جغرافیایی و طبقه بندی جمعیتی شهرهای کشور نشان میدهد که طی سال های مختلف تعداد و سهم شهرهای دارای کمتر از ۱۰هزار نفر جمعیت نسبت به کل شهرهای در سال ۱۳۹۰ به ۵۶,۹ درصد رسیده است. بنابراین می توان عنوان کرد که گسترش شهرنشینی و شهرگرایی در ایران مانند بسیاری از جوامع در حال توسعه نشأت گرفته از روابط، مناسبات و ساختارهای تولیدی، اقتصادی و در نهایت، از الزامات و ضرورت های توسعه نبوده و نمی توان از این شاخص (شهرنشینی) مانند کشورهای توسعه یافته به عنوان معیاری از پیشرفت و توسعه برآمده از پویایی اقتصاد و توسعه یاد نمود.

منابع:

- ۱- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن
- ۲- ابن خلدون، «المقدمه»، ۱۳۳۶، مترجم محمد پروین گنابادی، انتشارات علمی، تهران
- ۳- پل سینجر، ۱۳۵۸، اقتصاد سیاسی شهر نشینی، مهدی کاظمی و فرخ حسامیان، نشر ایران
- ۵- رفیع پور فرامرزی، ۱۳۷۹، انومی در شهر تهران، تهران، شرکت سهامی انتشار
- ۶- زنجانی حبیب اله، ۱۳۷۰، جمعیت و شهرنشینی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- ۷- اری گا ادوارد (ترجمه فاروق امین مظفری)، ۱۳۷۸، روشهای تحلیل جمعیت، انتشارات احرار تبریز
- ۸- آنتونی گیدنز (ترجمه حسین چاوشیان)، ۱۳۸۸، جامعه شناسی، نشر نی
- ۹- آذر عادل، ۱۳۸۱، تصمیم گیری کاربردی، نگاه دانش
- ۱۰- میرزا مصطفی مهدی، ۱۳۸۷، بررسی و تحلیل ویژگی‌های جمعیتی کشور و استان‌ها براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، پژوهشکده آمار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی